

به نام هستی بخش

هنر تبدیل موانع به فرصت‌های طلایی

(موانع، بخشی از راه است)

ایزن، مهدی

دکتر علی‌اکبر بهاری



سرشناسه : هالیدی، رایان
 عنوان و نام پدیدآور : هنر تبدیل موانع به فرصت‌های طلایی the obstacle is the way
 وضعیت ویراست : ۱
 مشخصات نشر : تهران: بهار سبز، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : ۱۷۶ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۸۴-۹۷-۰
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 یادداشت : این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.
 شناسه افزودن : علی‌پناهی، علی، ۱۳۲۸-
 شماره کتباتشناسی ملی : ۳۷۶۹۲۷۱



هنر تبدیل موانع به فرصت‌های طلایی

نویسنده: رایان هالیدی
 مترجم: دکتر علی‌پناهی
 ویراستار: سیمه آقا زاده
 طراح جلد: یانوش سعادتمند
 امور فنی و گرافیک: مهتاب
 نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۳
 نوبت چاپ: دوم، بهار ۱۳۹۴
 شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
 لیتوگرافی: صاحب
 چاپ و صحافی: گنج شایگان
 قیمت: ۱۲۶۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۸۴-۹۷-۰

تهران، خیابان دکتر شریعتی، روبروی ایستگاه متروی قلهک،

کوچه شهید سرافراز، پلاک ۴، واحد ۱

تلفکس: ۰۳-۲۲۶۲۲۹۰۱؛ کدپستی: ۱۹۴۱۹۳۳۵۸۴

پست الکترونیک: info@baharesabz.ir

آدرس سایت و فروشگاه اینترنتی: www.baharesabz.com

حق چاپ محفوظ است.

ناشر از همکاری سازمان تأمین اجتماعی شرق تهران بزرگ در چاپ این کتاب، به منظور کمک به فرهنگ توانمندسازی فردی و مدیریتی در کشور قدردانی می‌نماید.

همتی کن این جهان را باز ساز با کماهی نوجوانی نوباز

سلام به تمام انسان هایی که در سایه فرهنگ مطالعه کتاب، از آتشی بن بست های فکری پل ساخته تا بیکران سازندگی، در دبه آتشی که شبانه روز خود را وقف روشنی روزهای یک ملت کردند.

بی تردید کتاب، مقبولترین همراه انسان هست که نه فراموش می شود و نه تفسیر می یابد. تدبر در آن، ازت آرا فزونی می دهد و میل تو را در فراگیری دانش، شدیدتر می سازد. زبان تو را گویاتر، سخنان و بیان تو را فصیحتر و جان تو را مسرورتر می کند. هم نشینی است که تو را خسته و ملول نساخه و دوست و رفیقی است که تو را از کماهی روزمرگی رها می سازد.

بدون شک رشد و توسعه، تصادمی است که نیازمند بکارگیری علم، تخصص، تلاش و کوشش هوشمندان و هوشیاران آتشی است که با اکتال، با قدرت، با تعهد و انضباط کاری، اخلاق مداری و قانون گرایی، به کام و به مو با برنامه ریزی منجم و دقیق، به نیل بر توانمندی، خلاقیت و نوآوری علمی و در نهایت پویایی ایرانی در جهت پیشرفت اهداف ملی مجدداً تلاش می دارند و این مهم بدست نمی آید مگر با کتبه بر علم و بهره مندی از کتاب.

امید به اینست که، در پرتو الطاف بیکران الهی، با همت و حمیت، همراه و بمنوالت علی - علی، مسیر رشد و تعالی شغلی، اجتماعی و فرهنگی همه همکاران فراهم گردد.

خدا قلمی میرزانی
مدیرکل شرق تهران بزرگ

فهرست مطالب

فصل ۱۳ - معنای زندگی و کیفیت	پیشگفتار
کار ما	مقدمه
فصل ۱۴ - از موانع و مشکلات علیه	
خودشان استفاده کنید	بخش ۱ - شناخت
فصل ۱۵ - باید موفقیت را بسازید	فصل ۱ - چارچوب برای اقدام
فصل ۱۶ - آماده کار و تلاش باشید	فصل ۲ - توانمندی برای اقدام
	بخش ۳ - احساسات و هیجانات خود
بخش ۳ - اراده	را کنترل کنید
فصل ۱۷ - چارچوبی برای اراده	فصل ۴ - نگاهتان را تغییر دهید
فصل ۱۸ - قلعه درون خود را	فصل ۵ - محدوده اختیارات شما
سازید	فصل ۶ - باورهایتان را متحول
فصل ۱۹ - پیش‌بینی و آینده‌نگری	کنید
فصل ۲۰ - هر پذیرش	فصل ۷ - فرصت‌ها را شکار کنید
فصل ۲۱ - حواشی استقبال	فصل ۸ - آماده حرکت شوید
کنید	
فصل ۲۲ - پشتکار	بخش ۲ - اقدام و حرکت
فصل ۲۳ - عظمت خود را دریابید	فصل ۹ - چارچوبی برای اقدام
فصل ۲۴ - و اما... موضوع مرگ	و حرکت
فصل ۲۵ - بار دیگر آماده حرکت	فصل ۱۰ - حرکت، گام مهم موفقیت
شوید	فصل ۱۱ - استقامت
فصل ۲۶ - نکته‌های نهایی	فصل ۱۲ - شکست و مفهوم آن
منابع	

جامعه وقتی فرزانی و سعادت می یابد که مطالعه، کار روزانه اش باشد.

سقراط حکیم

مقدمه مترجم

ایراد کار انسان های عادی این است که مشکلات و موانع را مورد بررسی و واکاوی قرار نمی دهند، در نتیجه نه تنها چیزی از آنها نمی آموزند، بلکه دچار یأس و ناامیدی نیز می شوند.

هنر انسان های بزرگ و موفق این است که در برهه مشکلات علاوه بر آنکه نقاط ضعف خود را پیدا کرده و آنها را برطرف می کنند، سعی را نیز به فرصتی طلایی تبدیل می کنند. این کتاب رمز این کار را به شما خواهد آموخت.

علی علی پناهی

بهار ۱۳۹۴

Alipanahi2004@yahoo.com

پیشگفتار

در سال ۱۷۰۰ میلادی، مارکوس اورلیوس^۱، امپراتور رُم، شب هنگام در چادر و در خط مقدم جبهه قلم به دست گرفت تا شروع به نوشتن کند. البته شاید زمان نوشتن نامه، قبل از طلوع آفتاب در شهر خودش در شهر رُم بوده است، شاید هنگام تفریح، زمانی را به خودش اختصاص داد بود تا چیزی بنویسد. محل دقیق نوشتن مهم نیست؛ آنچه اهمیت دارد این است که این نامه، که امروزه به عنوان آخرین نفر از پنج امپراتور خوب و لایق شناخته شده است، دست به قلم بُرد تا چیزی بنویسد.

هدف او این نبود تا برای دیگران نامه بنویسد بلکه او می‌خواست برای خودش بنویسد. اما آنچه نوشت بدون شک دستورالعملی است بسیار مؤثر برای غلبه بر هرگونه شرایط منفی که ممکن است در زندگی با آن روبرو شویم. دستورالعملی برای پیروزی و فائق آمدن بر حوادث و حتی علل حوادث. او در آن لحظه فقط یک پاراگراف نوشت که جزئی از آن تدریس و بدیع و خلاقانه بود. تقریباً هرگونه تفکری را می‌توان به نحوی از انحاء در نوشته‌های معلمان و اساتید وی یافت. اما نوشته کوتاه و هشتادوپنج کلمه‌ای او آن چنان فصیح و بلیغ است که نام بزرگان قبل از خود را تحت الشعاع قرار داده است. در اینجا به بخشی از نوشته وی اشاره می‌کنیم:

ممکن است کسی یا چیزی بتواند مانع اقدامات ما شود... اما هیچ چیز نمی‌تواند مانع اراده و خواسته ما گردد. زیرا ما می‌توانیم خود را با شرایط سازگار کنیم. لذا ذهن ما خود را با شرایط تطبیق داده و موانعی را که بر سر رفتارمان می‌بیند، با خراسته‌های خود هماهنگ می‌کند.

پس با کلماتی ارزشمند و مؤثر حداکثر بهره را برده و نتیجه می‌گیرد: مانعی را بر سر راه ما قرار می‌گیرد، به پیشرفت ما کمک می‌کند. آری مانع مانع ما می‌شود، به خود راه تبدیل می‌شود.

در کلمات مارکوس رزور، وجود دارد که هنر تبدیل موانع به مواهب است. یعنی مانع را به «نقطه مقابل» تبدیل کنید تا بتوانید به مقصدتان برسید. در این صورت، نه تنها همواره از مسائل و مشکلات استقبال خواهید کرد، بلکه به این باور خواهید رسید که مسائل و معضلات دائمی نیستند. لذا یقین داشته باشید آنچه مانع حرکت شما می‌شود، می‌تواند به رشد و تعالی‌تان کمک کند.

جملات این انسان بزرگ بسیار پرمعنا هستند. دوره حکومت وی که نوزده سال طول کشید، دائم با جنگ، بیماری‌های وحشتناک، خیانت اطرافیان و کودتای نزدیکان روبه‌رو بود. او ناچار بود برای حل مسائل کشور به اتصاف امپراتوری - از آسیای میانه تا سوریه، مصر، یونان و اتریش - برود. این امر موجب خالی شدن خزانه دولت و کاهش قدرت او و نیز طمع برادر ناتنی وی و دیگر سران کشور شد.

تا آنجا که می‌دانیم، وی هر یک از این موانع را فرصتی می‌دانست برای بالا بردن صبر و تحمل، شجاعت، تواضع، خلاقیت، تعقل، عدالت و ابتکار خود. توانایی او این بود که هرگز اجازه نمی‌داد تنش و فشار کار او را از پای درآورد. او به ندرت دچار خشم و نفرت می‌شد. نویسنده‌ای به نام متو آرنولد^۱، در سال ۱۸۶۳ در مورد وی این‌گونه

نوشت: «مارکوس جایگاه بلندی در جهان دارد - و نظر اغلب نزدیکان او این بود که وی توانست ثابت کند ارزش این جایگاه بلند را دارد.»

ثابت شده آگاهی و بصیرتی که در یادداشت کوتاه مارکوس اورلیوس دیده می‌شود، در زنان و مردان دیگری که مانند او زندگی کرده‌اند، وجود دارد. این نکته‌ای است که در سرتاسر تاریخ به چشم می‌خورد.

این نکته را می‌توان از همان روزگار افول و سقوط امپراتوری رُم تا پیدایش رنسانس و شکوفایی عصر روشنگری مشاهده نمود. این امر در انقلاب صنعتی، در رهبران نهضت حقوق بشری و در مخالفان جنگ ویتنام نیز دیده می‌شود.

این نوع تفکر بیرونی مؤثر انسان‌های خودساخته و در عین حال یاریگر کسانی است که مسئولیت‌های بزرگ را بر عهده دارند. در میدان‌های جنگ، در اتاق مدیران، در میان اقیانوس‌ها و در سیاره‌های دیگر، اعضای گروه‌های مختلف، برای عبور از موانع و غلبه بر مشکلات، این نکته را آموخته‌اند که باید موانع را به مواهب تبدیل کنند.

این حرکت، تلاشی مستمر در تمام زندگی آنهاست. هر فردی دانسته یا ندانسته به شکلی از این نوع تفکر استفاده کرده است و در ایالات متحده و مشکلات و آزمون و موفقیت را طی کرده است.

ما وارث قانونی و به حق این سنت دیرینه‌ایم. لذا به هر پدیده‌ای که روبه‌رو می‌شویم، دارای انتخاب هستیم: یا توسط موانع متوقف شویم، یا از موانع عبور کرده و بر آنها غلبه کنیم.

شاید ما امپراتور نباشیم، اما روزگار همچنان ما را می‌آزماید و از ما می‌پرسد: آیا شما انسان شایسته و ارزشمندی هستید؟ آیا می‌توانید از آنچه که بدون تردید و به‌طور گریزناپذیر بر سر راه شما قرار می‌گیرد عبور کنید؟ آیا می‌ایستید و نشان می‌دهید که چه در توان خود دارید؟

بسیاری از انسان‌ها به این سؤال‌ها پاسخ مثبت داده‌اند. عده بسیار کمی نیز نشان

داده‌اند که نه تنها از موانع عبور می‌کنند، بلکه توانمندی آنها بیشتر می‌شود و هر مانعی را پشت سر می‌گذارند. این افراد نشان داده‌اند که سختی‌ها و مشکلات آنها را با تجربه‌تر می‌کند.

اکنون نوبت شماست تا ببینید آیا شما نیز یکی از این انسان‌های توانمند هستید یا خیر، و آیا آماده‌اید تا به گروه آنها بپیوندید؟
این کتاب راه را به شما نشان خواهد داد.

www.ketab.ir

مقدمه

احتمالاً شما نیز در زندگی با مسئله و موانع غیرمنتظره‌ای روبه‌رو هستید که نمی‌گذارد مطالبه میل خودتان زندگی کنید و به اهدافتان برسید.

چه می‌شود اگر به این قدر محدود نبود و در این مسئله فقط منافع شما نهفته بود. فکر می‌کنید اغلب مردم در این موارد دست به هیچ کاری نمی‌زنند. اگر صادقانه بگوییم، اغلب ما حتی اگر اهداف بزرگی هم داشته باشیم، در صورت روبه‌رو شدن با هرگونه مانعی زمین‌گیر می‌شویم.

ای کاش این امر واقعیت نداشت، اما متأسفانه واقعیت همین است. موانعی که با آنها روبه‌رو می‌شویم انواع و اقسام دارند، از مسائل اجتماعی مثل بی‌کاری گرفته تا پایین بودن خودباوری و مسائلی که در نظام‌های اداری وجود دارد.

موانع برای همه یکسانند، اما واکنشی که در ما ایجاد می‌کنند، متفاوت است، مثل ترس، احساس یأس، آشفتگی خاطر، احساس درماندگی، افسردگی، خستگی و غیره. ظاهراً شما می‌دانید چه کار باید بکنید، اما گویی مانعی نامرئی به شما سرگشته حرکت و اقدام شما را گرفته است. به عنوان مثال، از شغل، روابط، محل زندگی خود ناراحت هستید و تلاش می‌کنیم حرکتی انجام دهیم، اما عاملی وجود دارد که مانع حرکت ماست. در نتیجه یا دیگران را سرزنش و یا خود را شکست خورده تلقی می‌کنیم و اهدافمان را دست نیافتنی می‌دانیم. در حالی که تنها خطای موجود در طرز تفکر و نگاه ماست.

در رابطه با موضوع موفقیت کلاس‌ها و کتاب‌های بسیاری وجود دارد، اما هیچ‌کدام به ما نمی‌آموزند چگونه بر شکست غلبه و دربارهٔ موانع چگونه فکر کنیم، چگونه با آنها برخورد و غلبه نماییم. به همین دلیل درمانده، سردرگم، منفعل و آشفته می‌شویم و نمی‌دانیم چه کنیم.

بسته همه دچار این وضعیت نمی‌شوند. با کمال تعجب می‌بینیم که برخی افراد از این موانع که دست و پای ما را بسته‌اند، عبور و حتی از آنها به عنوان سکوی پرش استفاده می‌کنند. لذا این سؤال مطرح می‌شود که آنها چه کار می‌کنند و چه رمز و رازی وجود دارد؟

جالب‌تر آنکه این‌ها قبل که امکانات و ابزارهای کمتری در اختیار داشتند، با مسائل حادث‌تری روبه‌رو بودند. آنها نیز با همین موانع که ما روبه‌رو هستیم، مواجه بودند، اما با همه وجود تلاش می‌کردند تا موانع را از سر راه فرزندان‌شان و دیگران بردارند، در حالی که ما گرفتار و درمانده می‌شویم.

این افراد چه چیزی داشتند که ما فاقد آن هستیم؟ به عبارت دیگر، ما چه چیزی کم داریم؟ پاسخ ساده است: روش و چارچوبی رایج نام و شناخت موانعی که زندگی سر راه ما قرار می‌دهد و اقدام مناسب برای برطرف کردن این موانع.

جان ای راکفلر^۱ از چنین روش و چارچوبی برخوردار بود، به این معنا که هم آرامش و هم انضباط شخصی را به همراه داشت. دموستین^۲، خطیب مشهور آتن، دارای چنین خصایصی بود. او با تلاشی خستگی‌ناپذیر و تمرین مداوم نه تنها ضعف خود را برطرف می‌کرد، آبراهام لینکلن از تواضع، صبوری و مهربانی برخوردار بود.

در این کتاب با بعضی از این شخصیت‌های بزرگ آشنا خواهید شد. برخی از این افراد با تلخی‌های ناگواری روبه‌رو شدند، از زندان گرفته تا بیماری‌های شدید و یأس و ناامیدی. این افراد با مشکلات مختلفی از قبیل ورشکستگی، تحولات سیاسی،

مشکلات اقتصادی و امثال آن روبه‌رو بودند.

این افراد با عبور از این سختی‌ها متحول شدند. آندی گرو^۱، مدیرعامل سابق شرکت اینتل^۲، در توصیف خود از برخورد مؤسسات تجاری با شرایط بحرانی می‌گوید: «شرکت‌های بد در اثر بحران از بین می‌روند. شرکت‌های خوب خود را از بحران نجات می‌دهند، اما شرکت‌های بزرگ در اثر بحران رشد می‌کنند.»

انسان‌های بزرگ، مانند شرکت‌های بزرگ، برای اینکه نقاط ضعف را به نقاط قوت تبدیل کنند راهی پیدا می‌کنند. البته این امر کاری بزرگ و فوق‌العاده است. آنها هر اقدامی را که در گران از انجام آن طفره می‌روند و یا در انجام آن تعلل می‌ورزند، با فاصله انجام و به حرکت خود ادامه می‌دهند.

همه زنان و مردان بزرگ تاریخ در این امر موضع مشترک دارند. مانند اکسیژنی که در مقابل آتش قرار می‌گیرد، موانع نیز در مقابل حرارت و شعله خواست و اراده آنها تبدیل به سوخت می‌شود. هر چه چیزی می‌تواند آنها را متوقف و یا مایوس کند. هر مانعی فقط اشتیاق درون آنها را شعله‌ورتر می‌کند.

این افراد کسانی هستند که موانع را بدل خود تبدیل کردند و در واقع، براساس سخنان مارکوس اورلیوس زندگی کرده‌اند و پیرامون هر چیزی هستند که سیسرو^۳ آنها را تنها «فیلسوفان یا متفکران واقعی» می‌نامد. توانایی این افراد در این بود که می‌توانستند علت وجود موانع را درک کنند، خلاقیت لازم برای مقابله با این مشکلات را داشتند و از اراده لازم برای تحمل شرایطی که حرارت از درک و توان مدیریت آنها بود، برخوردار بودند.

واقعیت این است که ما در بسیاری از مواقع با شرایط سخت و دردناکی مواجه نمی‌شویم تا مجبور باشیم آن را تحمل کنیم، بلکه معمولاً با مسائلی روبه‌رو می‌شویم

1. Andy Grove

2. Intel

۳. Cicero؛ سیسرو مارکوس تولیوس، سیاستمدار، خطیب و نویسنده رومی (۴۳ - ۱۰۶ ق.م.)

که تا حدودی نامطلوب‌اند یا گرفتار شرایطی می‌شویم که خیلی برای ما جالب نیستند. در هر حال باز هم همان منطق حاکم است: تغییر شرایط، یافتن منافع و مزیتی در شرایط موجود و استفاده از آن به عنوان عامل حرکت. مطلب ساده است، اگرچه کار به این سادگی نیست.

هدف این کتاب این نیست که خوش‌بینی و ساده‌لوحی را تقویت کند. در رابطه با صبر و شکیبایی کتاب‌های زیادی نوشته شده است که اغلب آنها را انسان‌های بزرگ، متفکر نوشته‌اند، لذا نیازی به تکرار آنها نیست. کتاب‌های فلسفی نیز به اندازه کافی رشته شده است.

اما من تلاش می‌کنم تا درس‌ها و آموزه‌های آنها را جمع‌آوری کرده، خوب بفهمم و سپس در اختیارتان قرار دهم. تمام این آموزه‌ها طی چند هزار سال تجربه انسانی پالایش شده‌اند.

در این کتاب نکات حکیمانه و حردم‌دانه به‌جا گرد آمده تا با کمک آنها بتوانیم به هدف بسیار مهم خودمان، یعنی فائق آمدن بر موانع فکری، جسمی و عاطفی و آنچه که مانع تلقی می‌کنیم، دست یابیم.

ما هر روز با این موانع مواجه‌ایم و جامعه ما کاملاً تحت تأثیر این موانع قرار دارد. اگر این کتاب بتواند کمک کند تا روبه‌رو شدن با این موانع را کمی آسان‌تر کند، قدم مهمی برداشته شده است. اما هدف من بالاتر از این است. قصد من این است که به شما راهی نشان دهم تا هر مانعی را به یک مزیت تبدیل کنید.

لذا این کتاب اثری واقع‌بینانه و شرح داستان‌های تاریخی است تا هنر پشتکار مستمر و ابتکار و خلاقیت خستگی‌ناپذیر را به تصویر بکشد. این کتاب به ما نشان می‌دهد چگونه شرایط منفی را که با آنها مواجه می‌شویم به شرایط مثبت تبدیل کنیم - یا حداقل مزایایی را از این موانع کسب کرده و سختی‌ها و ناملایمات را به بخت و اقبال تبدیل کنیم.

هدف این است که چگونه مشکلات را فرصتی برای حرکت و پیشرفت بدانیم.

یعنی نه تنها «مثبت‌اندیش باشیم»، بلکه بیاموزیم چگونه پیوسته خلّاق باشیم و از فرصت‌ها استفاده کنیم.

در این کتاب این توانایی را شکوفا خواهیم کرد.

موانع پیش روی ما

در داستان قدیمی ژاپنی، پادشاهی بود که مردم تنبلی داشت. پادشاه که از این وضعیت ناراضح بود، دویصد برآمد تا درسی به مردم خود بیاموزد. لذا برنامه ساده‌ای طراحی کرد. به این معنا که تخته‌سنگ بزرگی را وسط جاده اصلی شهر قرار داد به طوری که هر زه‌سلی شهر را کاملاً مسدود می‌کرد. سپس در نقطه‌ای پنهان شد تا واکنش مردم را ببیند.

پادشاه در کمال ناامیدی می‌دید که مردم دسته‌دسته به این مانع نزدیک می‌شوند و برمی‌گردند و در بهترین حالت، درشی نه چندان جدی می‌کردند و می‌رفتند. بسیاری از مردم آشکارا شکایت می‌نمودند، پادشاه و یا بخت و اقبال را لعن و نفرین می‌کردند و یا ماتم می‌گرفتند. اما هیچ‌کدام حرکت جدی برای حل معضل نمی‌کردند.

بعد از چند روز، فردی روستایی در مسیر خود به طرف شهر به این محل رسید. او با دیدن تخته‌سنگ راه خود را عوض نکرد، بلکه تمام تلاش خود را برای کنار گذاشتن تخته‌سنگ به کار برد. سرانجام فکری به نظرش رسید: او به جنگلی که در آن ردیکی قرار داشت رفت تا چیزی پیدا کند و به عنوان اهرم از آن استفاده نماید. سرانجام با چوب بزرگی برگشت و توانست با مهارت تمام سنگ را کنار جاده بگذارد.

زیر تخته‌سنگ مقداری سکه طلا و یادداشتی از سوی پادشاه قرار داشت که نوشته بود:

«مانعی که در جاده می‌بینید، خودش راه و جاده خواهد شد.

همواره به یاد داشته باشید که هر مانعی، فرصتی است برای

بهبود شرایط ما.»

حال این سؤال مطرح است که چه چیزی مانع پیشرفت شماست؟ شرایط جسمانی مثل وزن و قد شما؟ نژاد، دوری راه، ضعف جسمانی، نداشتن پول کافی؟ یا عواقل ذهنی مثل ترس، تردید، نداشتن تجربه کافی یا پیش‌داوری؟

شاید مردم شما را خیلی جدی نمی‌گیرند، یا خودتان فکر می‌کنید بیش از اندازه پیر شده‌اید. اما حمایت و منابع کافی برخوردار نیستید؟ شاید هم قوانین و مقررات شما را محدود کرده‌اند، یا تعهدات و قید و بندهایی دارید و یا اهداف شما اشتباه هستند و یا خودتان ایستاده‌اید؟

علت هر چه باشد، شما همین است که هست. این موانع وجود دارند و کسی منکر آنها نیست.

اما دقت کنید به کسانی که حبل‌الرشاد از این موانع عبور کرده‌اند. مثل ورزشکارانی که بسیار کوتاه‌قد بودند، گیانانی که بینایی‌شان نسبتاً کم بود. افرادی که در تخیلات و رؤیاهای خود جلوتر از زمان حرکت می‌کردند. افراد موفق از نژادهای مختلف. دانشجویانی که ترک تحصیل کردند و افراد که در خواندن و نوشتن مشکل داشتند. مهاجرین و افرادی که در وطن خود در معرض تبعیض بودند. اما چه اتفاقی برای آنها افتاد؟

البته بسیاری از آنها تسلیم شرایط شدند، اما عده معدودی تسلیم نشدند. آنها با چالش‌های بزرگی روبه‌رو شدند، سخت تلاش کردند و از موانع عبور کردند.

و بدین ترتیب هر مانعی تبدیل به فرصتی شد. آنها این فرصت‌ها را با تلاش خود به دست آوردند. این نکته‌ای است که باید از آنها بیاموزیم.

به خاطر داشته باشید: با هر مشکلی که مواجه هستید، راه‌حلی دارد. وقتی گرفتاری و مسئله‌ای برای ما پیش می‌آید، می‌توانیم آن را به یک فرصت تبدیل کنیم.